



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبانشناسی

عنوان:
حذف گروه فعلی در زبان فارسی

پژوهشگر:
حسن آزموده

استاد راهنما:
دکتر یادگار کریمی

استاد مشاور:
دکتر غلامحسین کریمی دوستان

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی گرایش همگانی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبانشناسی

عنوان:
حذف گروه فعلی در زبان فارسی

پژوهشگر:
حسن آزموده

استاد راهنما:
دکتر یادگار کریمی

استاد مشاور:
دکتر غلامحسین کریمی دوستان

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی گرایش همگانی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

*** تعهد نامه ***

اینجانب حسن آزموده دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی گرایش همگانی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبانشناسی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

حسن آزموده

۱۳۹۱ / ۲ / ۲۷

تقدیم به

دستان سرشار از پینه مادرم

و

روح بی آرایش برادرم

اگرچه سپاس از آن خداوند مهربان است اما تشکر از آفریدگان نیز مقدمه و در امتداد همان است. بدون تردید دست بردن به موضوعی با چنین پیچیدگی در عرصه زبان‌شناسی نوین بدون همکاری دیگران آنچنان که می‌باید، ظاهر نمی‌شد. در اینجا ابتدا از غیرت و زحمات بی‌دریغ مادرم خالصانه تشکر می‌کنم که اگر ایشان نبودند نمی‌دانستم در عرصه جدال هستی چه بر سرم می‌آمد. همچنین تشکر از اساتیدی را که بر سر سفره علمشان نشسته‌ام نیز بر خود واجب می‌دانم. در این میان، بدون هیچ‌گونه شعاری از اساتید عزیزم به ویژه جناب دکتر یادگار کریمی که با ایشان حتی بر سر مسائل بسیار جزئی هم مشورت نموده‌ام، کمال تشکر را دارم. از جناب دکتر غلامحسین کریمی‌دوستان به خاطر گوشزد کردن بعضی از نقایص و از همکاری صمیمی دکتر ابراهیم بدخشان نیز سپاسگزارم.

چکیده

در این پژوهش، به توصیف و تبیین جملاتی می‌پردازیم که در آن گروه فعلی - گزاره - مفقود است. در بند دوم جملاتی همچون "هم دانیال خوب درس می‌خواند هم مازیار" علاوه بر معنای مازیار معنای "خوب درس می‌خواند" نیز وجود دارد. مسأله چگونگی حضور معنا بدون صورت دال بر آن در دو رویکرد ساختارگرایی و غیرساختارگرایی بررسی می‌شود. در رویکرد ساختارگرایی این بار بر دوش ساخت نحوی غیرملفوظ در جایگاه حذف گذاشته می‌شود اما رویکرد غیرساختارگرایی با به کارگیری ابزارهایی که معنا را در غیاب ساخت نحوی تولید می‌کنند، به این سؤالات پاسخ می‌دهد. با ارائه شواهد و دلایلی از زبان فارسی، انگلیسی، آلمانی و دیگر زبان‌ها استدلال می‌شود که در جایگاه حذفی ساخت نحوی وجود دارد. در این نوشتار برای تبیین داده‌های مورد نظر، این داده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند و در قالب دیدگاه کمینه‌گرایی نشان داده می‌شود که تنها داده‌های دسته اول و سوم موارد حذف گروه فعلی در فارسی هستند. در این ساختارها، ارزش آوایی متمم هسته تجویز کننده حذف - هسته زمان - تهی می‌شود؛ به عبارت دیگر، گروه فعلی (VP) در فرآیند بازبینی مختصه حذف (E) هسته تجویز کننده در صورت آوایی حذف می‌شود اما به لحاظ نحوی و معنایی همچنان در ساختار فعال است. برای این فرآیند گروه فعلی محذوف نیازمند یک مرجع همانند می‌باشد. با توجه به شواهد ارائه شده در ارتباط با این موضوع استدلال می‌شود که حذف گروه فعلی در زبان فارسی نیازمند همانندی نحوی - در مقابل همانندی معنایی - است. در نهایت، یک فرضیه محدودیت نحوی با توجه به داده‌های بررسی شده در ارتباط با حذف گروه فعلی استخراج می‌شود. این محدودیت سازگار با اصل گسترش (مختصه حاشیه) چامسکی (۲۰۰۷، ۲۰۰۸) و تأییدی بر آن است. بر اساس این محدودیت: جایگاه مشخص‌گر هسته نقشی حذف کننده گروه فعلی (گزاره) - در فرآیند حذف - نباید تهی باشد. با استناد به رفتار جملات حاوی گروه فعلی محذوف در زبان فارسی و انگلیسی پیش‌بینی می‌شود که این فرضیه یک محدودیت همگانی در زبان بشری باشد.

کلیدواژه‌ها: ساختارگرایی؛ غیرساختارگرایی؛ همانندی؛ هسته تجویز کننده؛ مختصه حذف؛

فرآیند حذف

اختصارات

AGR (agreement)	مطابقه
CP (complementizer phrase)	گروه متمم‌نما
CP_r (complex predicate)	گزاره
E (Ellipsis)	حذف
GB (government and binding theory)	نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی
INFL (inflection)	تصرف
LF (logical form)	صورت منطقی
MP (minimalism program)	برنامه کمینه‌گرایی
Mod P (mood)	گروه وجه
NEG P (negation phrase)	گروه نفی
NP (Noun phrase)	گروه اسمی
NV (non verbal)	غیرفعلی
PF (phonological form)	صورت آوایی
PP (preposition phrase)	گروه حرف اضافه‌ای
S (sentence)	جمله
SPEC (specifier)	مشخص‌گر
TP (tense phrase)	گروه زمان
VP (verb phrase)	گروه فعلی
vP (outer verb phrase)	گروه فعلی پوسته‌ای
VPE (verb phrase ellipsis)	گروه فعلی محذوف
PRES (present)	زمان حال
< >	حاوی عناصر محذوف
ϕ	عناصر محذوف
Δ	جایگاه عناصر محذوف

فصل اول

مقدمه

فصل دوم

پیشینه تحقیق

فصل سوم

دیدگاه نظری

فصل چهارم

تحليل داده‌ها

فصل پنجم

نتیجه گیری

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

.....	فصل اول (مقدمه)
۱	۱- تعریف مسأله و بیان سؤالات اصلی تحقیق
۴	۱-۲ سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۵	۱-۳ اهداف انجام تحقیق
۵	۱-۴ روش انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات
۶	۱-۵ ساختار پایان‌نامه
.....	فصل دوم (پیشینه تحقیق)
۸	۱-۲-۱ مقدمه
۱۲	۱-۲-۲ رویکردها به نحو حذف
۱۲	۱-۲-۲-۱ دیدگاه دستور سنتی به حذف
۱۵	۱-۲-۲-۲ دیدگاه‌های زیان‌شناسی نوین به حذف
۱۶	۱-۲-۲-۲ رویکرد ساختاری
۱۸	۱-۲-۲-۲ رویکرد غیرساختاری
۱۹	۱-۲-۳ رویکردهای ساختاری و غیرساختاری در پرتوی سنجش
۲۰	۱-۳-۱ شواهد دال بر وجود ساخت در جایگاه حذف
۲۰	۱-۳-۲ معلول‌های موضعی
۲۱	۱-۳-۲-۱ حذف گروه فعلی
۲۳	۱-۳-۲-۲ پاره‌پاسخ‌ها
۲۳	۱-۳-۲-۳ حذف ابقاء موضوع
۲۳	۱-۳-۲-۴ حذف فعل
۲۴	۱-۳-۲-۵ حذف بند پس از پرسشواژه از درون گروه حرف تعریف
۲۴	۱-۳-۲-۶ حذف جمله بعد از پرسشواژه همراه با عناصر مرتبط نهان
۲۴	۱-۳-۲-۷ حذف بندهای مقایسه‌ای بعد از پرسشواژه
۲۵	۱-۳-۲-۸ تعمیم ابقاء حرف اضافه
۲۵	۱-۳-۲-۹ تناظر حالت
۲۶	۱-۳-۲-۱۰ حذف متمم‌نما

۲۶ ۵-۱-۳-۲- مصدرهای ارتقاء در برابر مصدر نظارت
۲۷ ۶-۱-۳-۲- پاسخ‌های گزاره‌ای
۲۹ ۲-۳-۲- شواهد عدم وجود ساخت در حذف
۲۹ ۱-۲-۳-۲- عدم حضور معلول‌های موضعی
۲۹ ۱-۱-۲-۳-۲- حذف جمله پس از پرسشواژه
۳۰ ۲-۱-۲-۳-۲- پاره‌پاسخ‌ها
۳۲ ۳-۱-۲-۳-۲- حذف فعل
۳۲ ۴-۱-۲-۳-۲- حذف در ساخت‌های مقایسه‌ای
۳۳ ۲-۲-۳-۲- استثنائات تعمیم ابقاء حرف اضافه
۳۴ ۴-۲- مرجع‌دار تهی و حذف
۴۰ ۵-۲- شرط همانندی
۴۱ ۱-۵-۲- همانندی معنایی و ساخت اطلاعی
۴۲ ۲-۵-۲- همانندی نحوی
۴۳ ۱-۲-۵-۲- عدم تطابق جهت در حذف
۴۶ ۲-۲-۵-۲- تطابق صورت افعال کمکی
۴۷ ۶-۲- نظریه‌های تلفیقی
	فصل سوم (دیدگاه نظری)
۴۸ ۱-۳- مقدمه
۵۰ ۲-۳- ماهیت برنامه
۵۴ ۳-۳- ادغام
۵۷ ۴-۳- حرکت
۵۸ ۵-۳- مطابقت
۵۹ ۶-۳- فاز (گام)
	فصل چهارم (تحلیل داده‌ها)
۶۱ ۱-۴- مقدمه
۶۲ ۱-۱-۴- رویکردها به ساخت نحوی حذف
۶۵ ۲-۴- گروه فعلی محذوف
۶۸ ۳-۴- توصیف فعل و گروه فعلی در زبان فارسی
۶۸ ۱-۳-۴- فعل
۶۹ ۲-۳-۴- ساخت گروه فعلی فارسی
۷۲ ۴-۴- ساخت در جایگاه حذف

۷۵ ۱-۴-۴- سنجش رویکردهای ساختاری حذف صورت آوایی و گرتته‌برداری از صورت منطقی
۷۷ ۱-۴-۴- مرجع‌های حاوی حذف
۸۳ ۲-۴-۴- مرجع مفقود
۸۴ ۳-۴-۴- مطابقه
۸۵ ۴-۴-۴- افعال وجهی
۸۶ ۵-۴-۴- قیود گروه فعلی
۸۷ ۶-۴-۴- حالت
۸۸ ۵-۴- شرط همانندی در حذف
۸۹ ۱-۴-۵- همانندی معنایی و ساخت اطلاعی
۸۹ ۲-۴-۵- همانندی نحوی
۹۱ ۶-۴- تحلیل ساختاری گروه فعلی محذوف
۹۱ ۱-۴-۶- بافت تجویز کننده
۹۲ ۱-۴-۶- داده‌های دسته اول
۹۴ ۲-۴-۶- داده‌های دسته دوم
۹۷ ۱-۴-۶-۲- نمایش نحوی افعال وجهی
۱۰۰ ۱-۴-۶-۲- جایگاه ساختاری افعال وجهی
۱۰۱ ۱-۴-۶-۳- داده‌های دسته سوم
۱۰۱ ۱-۴-۶-۳- عنصر نفی
۱۰۲ ۱-۴-۶-۳- جایگاه ساختاری عنصر نفی
۱۰۴ ۱-۴-۶-۳- نفی در فارسی
۱۰۸ ۱-۴-۶-۲- چالش‌های فرضیه محدودیت حذف گزاره
	فصل پنجم (نتیجه‌گیری)
۱۱۳ ۱-۵- کلیات مباحث مطرح در ادبیات حذف
۱۱۵ ۲-۵- دستاوردهای بحث ساختاری
۱۱۵ ۳-۵- دستاوردهای بحث همانندی
۱۱۶ ۴-۵- هسته تجویز کننده حذف گروه فعلی و محدودیت حذف گزاره
۱۱۷ ۵-۵- سوال‌های برای پژوهش آینده
۱۱۸ منابع
۱۲۶ واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۱۳۰ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

۱-۱- مقدمه

در زبان‌شناسی نظری پاسخ مرسوم به سؤال "نحو چیست؟" معمولاً این گونه بیان می‌شود که "نحو نظامی است که بر رابطه بین صورت و معنا در یک زبان حاکمیت می‌کند" (کالیکاور^۱ ۲۰۰۹: ۱). به همین ترتیب، توصیف نحوی یک عبارت مرتبط است با مقوله‌های واژگان؛ اینکه چگونه این واژگان تشکیل گروه می‌دهند و همچنین تعیین مقوله‌های گروه‌های تولید شده و اینکه آن گروه‌ها چگونه آرایش می‌یابند و با یکدیگر مرتبط می‌شوند؛ همچنین پرداختن به عناصر غیر قابل رویت که در معنا مشارکت دارند ولی در صورت وجود ندارند نیز، متعلق به این توصیف ساخت نحوی است (همانجا). بنابراین، یک گروه نحوی از زبان هر چند ساده - شامل یک واژه - باشد دارای صورت آوایی، معنا و ساخت نحوی است. این سه بعد آوا، معنا و ساخت نحوی تناظر^۲ نام گرفته است.

۱-۲- تعریف مسأله و بیان سؤالات اصلی تحقیق

فرآیند حذف^۳ برای نظریه پردازان زبان از اهمیت کانونی برخوردار است، زیرا این فرآیند موقعیتی را به نمایش می‌گذارد که در آن تناظر (انطباق) معمولی صورت/معنا، الگوریتم‌ها، ساخت‌ها، قواعد و محدودیت‌های که در جملات غیرمحدوف به ما اجازه می‌دهند تا صداها را بر معنای معادل آن‌ها منطبق کنیم، شکسته می‌شود. در حقیقت، در حذف، معنای بدون صورت وجود دارد (مرچنت ۲۰۰۹). بنابراین، اهمیت معمایی چگونگی حضور معنا در ساخت بدون صورت متناظر بر آن در عرصه زبان‌شناسی نظری، موضوعی انکارناپذیر و نیازمند قلم‌فرسایی دو چندان می‌باشد. در حوزه تحلیل حذفی دو سؤال عمده وجود دارد: (الف) آیا ساخت نحوی غیرملفوظ در ساخت‌های حاوی حذف وجود دارد؟ این پرسش، مسأله ساختاری نام گرفته است. در صورت آری بودن پاسخ، نظریه‌های دستوری را که هسته و گروه‌های غیرملفوظ را تولید می‌کنند، بایست تأیید کنیم؛ در صورت منفی بودن پاسخ، امکان آن می‌باشد که جایگاه محذوف در هیچ سطحی از اشتقاق، حاوی ساخت نحوی نباشد و تعبیر بندی^۴ پاره گفتار توسط فرآیندهای معنایی بسیار انتزاعی حاصل شود. (ب) رابطه بین عناصر درک شده در حذف با مرجع آن چیست؟ این پرسش نیز مسأله همانندی نام گرفته است. انواع متفاوت و متنوعی از رابطه همانندی فرض و پاسخ داده شده‌اند؛ عناصر حذف شده (XP_E) بایستی همانند یک گروه مرجع (YP_A) باشد جایی که همانندی می‌تواند نحوی یا معنایی و یا ترکیبی از هر دو باشد. سؤال دیگری نیز وجود دارد که به اندازه دو سؤال پیشین مطرح و بحث نشده است و آن مسأله تجویز^۵ است. چه هسته‌ها، جایگاه‌ها و یا ساخت‌هایی حذف را جایز می‌شمارند و شرایط موضعی بر رابطه بین این ساخت‌ها و حذف چیست؟

1. Culicover
2. correspondence.
3. ellipsis
4. clausal
5. licensing

حذف گروه فعلی^۱ و حذف بند پس از پرسشواژه^۲ دو مورد از بارزترین نمونه‌های بررسی شده حذف می‌باشند. این دو نوع حذف نیازمند یک مرجع معادل هستند که خود موضوع همسانی^۳ می‌باشد. ماهیت این پدیده همسانی، هسته کارهای دستوریان زایشی را در حوزه حذف در چهل سال گذشته تشکیل می‌دهد. این بحث‌ها بدان دلیل بسیار مهم هستند که اغلب بر ضرورت وجود یک یا نوع دیگری از نمود زبانی تأکید می‌کنند. اغلب بحث‌های مربوطه در حوزه معنا و فرض ساخت‌های انتزاعی نحوی بنیان گزارده شده‌اند. آنچه در این بحث‌ها مسلم است این است که همسانی صرفاً در رساخت نحوی و واجی مد نظر نیست. به هر حال، ساخت‌های حذفی اغلب نقش مهمی را در بحث‌های هستی‌شناسانه و بنیادین در زبان‌شناسی بازی می‌کند؛ منطق آن واضح است: اگر همسانی در تحلیل حذف راه یابد، در این صورت به انواع خاصی از وجود ارجاع خواهد شد که نظریه‌های ما از توانش زبانی باید آن‌ها را تصدیق و تأیید کند.

در این پژوهش، با برشمردن نقایص رویکرد غیرساختاری^۴، از رویکرد ساختاری^۵ حذف^۶ جهت توجیه و تبیین داده‌های زبان فارسی همانند: " پدرم خوب فوتبال بازی می‌کند، همینطور من Δ^y " که در آن‌ها گروه فعلی مفقود است، استفاده خواهد شد؛ بررسی و نشان داده می‌شود که دیدگاه حذف به‌خوبی از توجیه و تبیین آن برمی‌آید. طبق این دیدگاه، جمله در بخش منطقی^۸ (LF) تعبیر کامل را را حاصل می‌کند و تنها در صورت آوایی^۹ (PF) ارزش آوایی خود را از دست داده و به لحاظ آوایی تهی تهی تولید می‌شود. سپس اشاره می‌شود که اولین هسته نقشی حاکم بر گروه فعلی پوسته‌ای (VP) جهت بازبینی مختصه حذف یا E (Ellipsis feature) متمم خود یعنی VP را حذف می‌کند؛ به عبارت دیگر، هسته تجویزکننده حذف گروه فعلی (پوسته‌ای)، اولین هسته نقشی حاکم بر آن می‌باشد. مختصه E دارای اطلاعات واجی، نحوی و معنایی می‌باشد.

با در نظر داشتن ملاحظات مذکور، این پایان نامه می‌کوشد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱) منظور از حذف چیست و آیا در زبان فارسی پدیده حذف گروه فعلی وجود دارد؟
- ۲) آیا ساخت نحوی در جایگاه محذوف وجود دارد؟
- ۳) در حذف گروه فعلی همانندی ساختاری لازم است یا همانندی معنایی؟
- ۴) بافت نحوی تجویزکننده حذف گروه فعلی در زبان فارسی چیست؟
- ۵) آیا رویکردهای مطرح در زبان‌شناسی نظری برای تحلیل پدیده حذف توانایی تبیین و توجیه داده‌های زبان فارسی را دارند؟ کدام رویکرد در تبیین گروه فعلی موفق‌تر است؟
- ۶) آیا رفتار زبانی گروه فعلی محذوف در فارسی همچون دیگر زبان‌هاست؟ و به تبع آن، می‌توان یک همگانی زبانی در رفتار این پدیده را پیش‌بینی کرد؟

1. Verb Phrase Ellipsis (VPE)

2. sluicing

3. parallelism

4. nonstructuralist

5. structuralist

6. deletion

7. Δ = جایگاه عنصر محذوف

8. logical form

9. phonological form

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از :

۱) حذف شکسته شدن تناظر صورت و معنا است و زبان فارسی حاوی پدیده حذف گروه فعلی می‌باشد. سه مجموعه از جملات که در آن‌ها گزاره مفقود است به عنوان داده‌های زبانی ارائه و نشان داده می‌شود که از میان شاهد‌های ارائه شده تنها داده‌های دسته اول و دسته سوم حاوی گروه فعلی محذوف می‌باشند. داده‌های دسته دوم که در مجاورت فعل وجهی^۱ هستند مواردی از حذف گروه متمم‌زما^۲ (CP) می‌باشند. جایگاه حذفی تنها بعد از هسته زمان^۳ (T) و هسته نفی^۴ (NEG)، حذف گروه فعلی قلمداد می‌شود.

۲) با استناد به پدیده‌های نحوی همچون مرجع‌های حاوی حذف^۵، مرجع مفقود^۶، مطابقت^۷، قیود قیود گروه فعلی، حالت^۸، و رفتار نحوی افعال وجهی استدلال می‌شود که جایگاه حذف حاوی ساخت نحوی است. همچنین از لحاظ نظری نیز نشان داده می‌شود که اعتقاد به عدم وجود ساخت در جایگاه حذف - در نظر نگرفتن ساخت نحوی معمولی - نیازمند توجه به روش‌های موقتی و پیچیده‌ای برای تولید جملات هست که به تبع آن منجر به پیچیدگی قواعد اشتقاق نحوی و تولید معنا در زبان (فارسی) می‌شود؛ و البته این موضوع با مسأله زبان‌آموزی سریع کودک سازگار نیست.

۳) توزیع ناهمگن جهت^۹ در حذف‌های بزرگ^{۱۰} و حذف‌های کوچک^{۱۱} و همچنین بعضی از واقعیت‌های صرفی خاص، دو گروه از داده‌ها را تشکیل می‌دهد که نیاز به همانندی نحوی را در حذف موجب می‌شوند. با توجه به شاهد‌های ارائه شده در فصل چهارم استدلال می‌شود که در زبان فارسی لزوم همانندی ساختاری در حذف گروه فعلی امری اجتناب‌ناپذیر است. باید در نظر داشت که برای تحلیل حذف (گروه فعلی)، همانندی در شکل آشکار و ظاهری روساخت مرجع مطرح نیست بلکه ویژگی‌های انتزاعی‌تری بایست مورد کاوش قرار بگیرد که مستقیماً در روساخت زبان (مرجع) آشکار نیستند.

۴) با توجه به تحلیل‌های ارائه شده استدلال می‌شود که در داده‌های دسته اول هسته زمان T به عنوان هسته تجویز کننده عمل می‌کند. در مجموعه سوم داده‌ها نیز که جایگاه حذفی در مجاورت گروه نفی قرار دارد در ساخت با تعبیر گسترده^{۱۲} نفی هسته T و در ساخت با تعبیر محدود^{۱۳} هسته منفی به عنوان هسته تجویز کننده پیشنهاد می‌شود. در طرح پیشنهادی دیگر این پژوهش نیز با

-
1. modal
 2. complementizer phrase
 3. tense
 4. negation
 5. antecedent contained ellipsis
 6. missing antecedent
 7. agreement
 8. case
 9. voice
 10. big ellipsis
 11. small ellipsis
 12. wide
 13. narrow